

شواهدی بر ناصبی گری ابن تیمیه

ابوالفضل طاهری اطهر^۱

حسن خفاجه^۲

چکیده

ائمه معصومین (علیهم السلام) یکی از رکن‌های وحدت اسلامی هستند. ظهور ابن تیمیه و رویکردی که در خصوص اهل بیت (علیهم السلام) داشت، سبب نزاع بین مسلمانان شد. تحلیل دیدگاه‌های ابن تیمیه نسبت به فضایل ائمه (علیهم السلام)، به ویژه علی (علیه السلام)، ناصبی گری وی را نشان می‌دهد. روشن شدن حقیقت می‌تواند عاملی برای ایجاد وحدت در میان مسلمانان باشد.

هدف از این پژوهش رسیدن به تحلیلی واقع‌بینانه از مواضع ابن تیمیه و رویکرد عالمان اهل سنت در برخورد با این نظریات است، که به نتایج زیر دست یافته است: احصای ملاک‌های ناصبی گری از منظر روایات و اقوال علمای فریقین؛ بررسی جهت گیری‌های خاص ابن تیمیه نسبت به فضایل اهل بیت (علیهم السلام)؛ تطبیق ملاک‌ها بر افکار و نظریات ابن تیمیه و دست یافتن به شواهدی بر مدعا.

واژه‌های کلیدی: ناصبی، ابن تیمیه، اهل بیت، فضائل.

۱. دانش پژوه رشته کلام اسلامی مدرسه علمیه عالی نواب، taheri6794@gmail.com. (نویسنده مسئول)

۲. دانش پژوه سطح چهار رشته کلام جدید مدرسه علمیه عالی نواب، kh1360@gmail.com.

مقدمه

یکی از شخصیت‌های محترم برای وهابیت، ابن تیمیه حرانی (۷۲۸-۶۶۱ق) است. وی دارای تألیف‌های بسیار و دیدگاه‌هایی متفاوت است. او جزء پیشوایان اندیشه سلفی و پیرو مذهب حنبلی می‌باشد. شخصیت این عالم سلفی از جهاتی گوناگون قابل بررسی است، که در این نوشتار «شواهدی بر ناصبی گری ابن تیمیه» بررسی می‌شود.

عده‌ای به بهانه بازگشت به اسلام سلف، به ترویج و پیروی از افکار ابن تیمیه پرداخته‌اند؛ از این رو ضرورت پراختن به این مسئله روشن می‌شود. با توجه به مطالعات انجام شده در این زمینه کتاب‌هایی از جمله: *افکار ابن تیمیه در بونه نقد، دشمنی ابن تیمیه با اهل بیت (علیهم السلام) و...* تدوین شده که در این کتاب‌ها فقط به نظریات ابن تیمیه در مورد اهل بیت (علیهم السلام) اشاره شده است. ما در این مقاله با بیان ملاک‌های ناصبی گری و تطبیق آن بر آراء ابن تیمیه، موضوع را به گونه‌ای کاربردی بیان کرده‌ایم. مسئله اصلی این جستار آن است که چه شواهدی بر دشمنی ابن تیمیه با اهل بیت (علیهم السلام) وجود دارد؟ که در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی به بررسی و تحلیل این مسائل پرداخته‌ایم.

با توجه به تحقیقات نویسنده به نظر می‌رسد در آراء ابن تیمیه رگه‌هایی از دشمنی وی با اهل بیت (علیهم السلام) یافت می‌شود. بر این اساس بررسی نموده‌ایم: اساسا ناصبی گری چیست؟ ناصبی گری از کی آغاز شده؟ ملاک ناصبی گری چیست؟ آیا ملاک‌های ناصبی گری بر ابن تیمیه منطبق می‌شود؟

مسئله در محورهای مفهوم‌شناسی، تاریخچه ناصبی گری، ملاک‌های ناصبی گری، ابن تیمیه و تنقیص اهل بیت (علیهم السلام)، ابن تیمیه و تنقیص علی (علیه السلام)، ابن تیمیه و بغض نسبت به علی (علیه السلام)، ابن تیمیه و اعتقاد به برحق نبودن علی (علیه السلام) در جنگ‌ها بررسی می‌شود.

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱- نصب در لغت

فرایدی در *العین*، نصب را این گونه تعریف می‌کند: *النصب: الاعیاء التبع؛ نصب*

عبارت است از تعب و رنج، به زحمت انداختن، کوشش نمودن (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۴۲) لازم به ذکر است که همین تعریف را راغب در مفردات، (راغب، ۱۴۲۰: ۴۹۲) جوهری در صحاح اللغة (جوهری، ۱۴۲۰: ۲/۲۲۵) و ازهری در تهذیب اللغة (ازهری، ۲۰۰۱: ۱۴۸/۱۲) آورده‌اند.

ابن فارس در معجم مقاییس اللغة تعریفی از نصب ارائه می‌کند که بسیار نزدیک به تعریف اصطلاحی نصب است. وی نصب را به قرینه کلمه بعد از آن این گونه تعریف می‌کند: نصب به معنی آشکار نمودن بدی، جنگ، دشمنی و مانند آن، ضد کسی است. (ابن فارس، ۱۴۲۰: ۵/۴۳۴)

۱-۲- نصب در اصطلاح

در بیان معنای اصطلاحی این واژه، در روایات و اقوال علمای شیعه و اهل سنت تعاریف متعددی آمده که در ادامه به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۲-۱- نصب در روایات

برای ناصبی در روایات، تعبیری از جمله: ۱. دشمنی با اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۲. بدتر از شراب‌خوار و ۳. بت پرست، مطرح شده است. برای اثبات مدعای خود روایاتی را به‌عنوان شاهد بیان می‌کنیم.

مرحوم حر عاملی در کتاب شریف وسائل الشیعه، روایتی را از ابی بصیر نقل می‌کند که امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: شراب‌خوار مانند بت پرست است و دشمنی با آل محمد (علیهم‌السلام) بدتر از شراب‌خواری است. (حر عاملی، ۱۴۱۰: ۵۵۹/۱۸)

همچنین مرحوم مجلسی در کتاب شریف بحار الانوار، روایت صحیح‌ه‌ای را آورده که آن روایت، ناصبی را این گونه تعریف می‌کند: ناصبی کسی نیست که دشمنی با ما اهل بیت نماید، زیرا تو نمی‌توانی کسی را بیایی که بگوید من، پیامبر و خاندان او را دشمنی می‌ورزم، بلکه ناصبی کسی است که خود را در مقام دشمنی شما قرار دهد در حالی که می‌داند شما ولایت ما را داشته و شیعه ما هستید. (مجلسی، ۱۴۱۲: ۱۳۱/۷۲)

در روایتی دیگر از امام باقر (علیه السلام) سؤال شد که آیا زن مؤمن شیعه می تواند با ناصبی ازدواج کند. فرمود: نه، چون ناصبی، کافر است. (حر عاملی، ۱۴۱۰: ۱۸/۵۵۸)

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که حضرت فرمودند: بر حذر باش که از غسل حمام غسل نکنی، زیرا غسل یهودی، نصرانی، مجوسی و دشمن ما اهل بیت که از همه آنان بدتر است، در آنجا جمع می شود و خداوند آفریده ای نجس تر از سگ خلق نکرده، ولی دشمن ما اهل بیت، از سگ هم نجس تر است. (حر عاملی، ۱۴۱۰: ۱/۵۶)

۱-۲-۲- نصب از دیدگاه علمای شیعه

نصب در دیدگاه علمای شیعه در پنج محور، از جمله: تظاهر به دشمنی، دشمنی علنی، معروف در دشمنی، قلع و جنگ با ائمه (علیهم السلام) مطرح شده است. شاهد مدعی ما بیان کلماتی از علمای شیعه است که در ادامه بیان می شود:

مرحوم کلینی از علمایی که نزدیک به عصر معصومین (علیهم السلام) بوده، در تعریف ناصبی می فرماید: ناصبی به کسی می گویند که در ناصبی بودن معروف باشد. (کلینی، ۱۳۱۳ق: ۷/۳۴۷)

شیخ مفید از علمای بزرگ قرن چهارم هجری در تعریف ناصبی می فرماید: ناصبی کسی است که تظاهر به دشمنی با آل رسول (علیهم السلام) کند. (مفید، ۱۴۱۰: ۵۰۰)

شیخ طوسی نیز در تعریف ناصبی می فرماید: ناصبی کسی هست که دشمنی با اهل بیت (علیهم السلام) را علنی کند. (شیخ طوسی، بی تا: ۵۲)

شیخ صدوق در کتاب شریف *الوسائل التسع* در تعریف ناصبی این گونه می نویسد:

هر کس با اهل بیت (علیهم السلام) جنگ کند ناصبی می باشد. (شیخ صدوق، بی تا: ۳/۴۰۸)

محقق حلی نیز می فرماید: هر کس تظاهر به دشمنی با یکی از ائمه (علیهم السلام) بکند ناصبی است. (محقق حلی، ۱۴۱۳: ۲۷۸)

شیخ یوسف بحرانی در کتاب *حدائق الناضرة* می نویسد: هر کس قلع بر علی (علیه السلام) وارد کند و یا به آن حضرت دشمنی ورزد، ناصب است. (بحرانی، ۱۴۰۶: ۱۲/۳۲۳)

۱-۲-۳- نصب از دیدگاه علمای اهل تسنن

نصب در دیدگاه علمای اهل سنت در پنج محور (نقص، فسق، کفر، بغض و سب) نسبت به علی (علیه السلام) مطرح شده است. شاهد مدعای ما بیان کلماتی از علمای اهل سنت است که در ادامه بیان می شود:

ابن تیمیه در جلد چهارم کتاب *مجموعه الفتاوی* برای ناصبی این تعریف را بیان می کند: ناصبی کسی است که به علی (علیه السلام) بغض می ورزد، و معتقد به فسق یا کفر ایشان است. (ابن تیمیه، ۱۴۰۹: ۴/۴۴۷)

ذهبی نیز ناصبی را این گونه تعریف می کند: کسی که برای امام علی (علیه السلام) نقصی قائل شود، ناصبی است. (ذهبی، ۱۴۱۳: ۷/۳۷۰)

ابن حجر که از محدثین و مورخین اهل سنت به شمار می رود بیان می دارد: ناصبی کسانی هستند که بغض علی (علیه السلام) را داشته باشند و غیر علی (علیه السلام) را بر وی مقدم کنند. (عسقلانی، ۱۴۱۰: ۱/۴۵۹)

وی در جایی دیگر می گوید: کسانی که معتقدند علی (علیه السلام) قاتل عثمان است یا در قتل عثمان کمک کرده، پس بغض آن ها نسبت به علی (علیه السلام) از روی دیانت است. (عسقلانی، ۱۴۱۰: ۸/۴۵۸)

محمد مناوی در کتاب *فیض القدير* می نویسد: کسانی که معتقد باشند که علی (علیه السلام) در جنگ هایش بحق نبوده است. (مناوی، ۱۴۱۵: ۴/۶۱۳)

بن عثیمین از علمای معاصر که در بین سلفیان، محترم است در تعریف ناصبی می نویسد: کسانی که اهل بیت (علیهم السلام) را از روی دشمنی نصب می کنند و در آنان قلع و عمارت می سازند و ایشان را سب می کنند. (ابن عثیمین، ۱۴۲۴: ۲/۲۸۳)

۲- شخصیت ابن تیمیه

تقی الدین احمد بن عبدالحلیم حرّانی دمشقی حنبلی، مشهور به «ابن تیمیه»، دهم ربیع الاول سال ۶۶۱ق در شهر «حرّان» و در خانواده ای حنبلی مذهب زاده شد. (ابن کثیر، ۱۴۱۵: ۱۳/۳۶۱)

پدرش منصب تدریس و قضاوت داشت. به سبب هجوم مغول ها، در سن ۶ سالگی

با خانواده‌اش به دمشق گریخت. پدرش در دمشق -تا سال ۶۸۲ که از دنیا رفت- صاحب کرسی و منبر بود. پس از آن، ابن تیمیه سخنان جنجال‌انگیزی می‌گفت. به همین سبب، بارها علمای اهل سنت با او به مخالفت برخاستند و حتی او به زندان می‌افتاد. (حصنی دمشقی، ۱۳۱۲ق: ۱۶۴) حتی در سفری که در ۴۴ سالگی به مصر داشت، این صحنه‌ها تکرار شد (ابن کثیر، ۱۴۱۵: ۱۳/۳۴۳) و بالاخره در سن ۶۷ سالگی در آخرین زندان خود، به دلیل بیماری درگذشت. (المنهل، ۱۳۶۷ق: ۳۴۰) ابن تیمیه، نزد پدر خود، احمد مقدسی (متوفی ۶۸۸)، سیف‌الدین حنبلی (م ۶۶۹)، عبدالرحمن حنبلی (م ۶۸۲)، ام‌العرب، دختر ابن عساکر مورخ (م ۶۸۳)، زینب بنت مکی (م ۶۸۸) و جمعی دیگر درس آموخت. (ابن کثیر، ۱۴۱۵: ۱۴/۱۳۷) افرادی چون ابن قیم جوزی (م ۷۵۱)، ابن عبدالهادی (م ۷۴۴) و ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴) را از شاگردان او دانسته‌اند. (ابن کثیر، ۱۴۱۵: ۲/۱) علاوه بر آثاری در فقه و تفسیر و عقاید -به‌شیوه خاص خود- چند رساله در ردّ منطقیین، فلاسفه، صوفیه و غیر آن‌ها نوشت. (ابن کثیر، ۱۴۱۵: ۱۴/۳۰)

از مشهورترین کتاب‌های او *منهاج السنة النبویة* است که در ردّ *منهاج الکرامه* علامه حلی نگاشت. (ابن کثیر، ۱۴۱۵: ۱۴/۳۷)

۳- تاریخچه ناصبی‌گری

هرچند عداوت و کینه‌ورزی نسبت به امیر مؤمنان (علیه السلام) به واسطه فضائل لاتحصى و جایگاه ویژه‌ای که آن حضرت در بین مسلمانان و خصوصاً رسول خدا (صلی الله علیه و آله) داشت، از همان ابتدای اسلام و در زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله) وجود داشت، اما می‌توان گفت اولین گروهی که دشمنی با امام علی (علیه السلام) را جزء مهم‌ترین راهبردهای خود قرار دادند و علنی ابراز کردند، فرقه‌ای به نام عثمانیه بود.

ابن حجر عسقلانی، فرقه عثمانیه را این گونه تعریف می‌کند: عثمانیه کسانی هستند که به دلیل غلو در محبت عثمان به تنقیص علی (علیه السلام) روی آوردند. (عسقلانی، ۱۴۱۱:

(۱۶/۷)

عثمانیه بر این باور بودند که عثمان، مظلومانه به قتل رسید و امیر مؤمنان (علیه السلام) قاتل عثمان بوده یا در قتل وی قاتلان را همراهی کرده است. (عسقلانی، ۱۴۱۱: ۴۵۸/۸)

شکی نیست که با قتل عثمان و به وجود آمدن عثمانیه، جریان ناصبی گری نمود پیدا کرد، ولی این نکته هم باید مورد نظر قرار گیرد که در زمان معاویه بن ابی سفیان و حکومت امویان بود که این جریان رسمیت یافت.

طبری در کتاب تاریخ خود این مدعا را تأیید کرده و می نویسد:

وقتی معاویه در سال ۴۱ هجری، مغیره را استاندار کوفه قرار داد، به وی دستور داد و گفت: مطلبی را فراموش مکن و بر آن پافشاری کن و آن فحش و ناسزاگویی به علی (علیه السلام) است و در مقابل، از عثمان به عظمت یاد کن و همیشه برای او طلب آمرزش کن و از یاران علی (علیه السلام) بدگویی و آن ها را تبعید کن و به سخنانشان گوش فرانده. (طبری، ۱۳۶۲: ۲۵۳/۵)

۴- ملاک های ناصبی گری

با تتبع در نظرات علمای اهل سنت درباره ملاک نصب، با پنج ملاک مواجه می شویم که می توان آن نظرات را به شرح زیر ارائه کرد:

ملاک اول: تنقیص اهل بیت (علیهم السلام)

طبق این ملاک، هر کس اهل بیت (علیهم السلام) را تنقیص کند، ناصبی است. این ملاک از تعریفی که بن عثمان (ابن عثیمین، ۱۴۲۴: ۲۸۳/۲) برای ناصبی آورده استفاده می شود.

ملاک دوم: تنقیص علی (علیه السلام)

طبق این ملاک، هر کس تعرضی نسبت به علی (علیه السلام) داشته باشد و ایشان را تنقیص کند ناصبی است.

این ملاک از عبارات ذهبی (ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۷/۷) و شیخ یوسف بحرانی (بحرانی، ۱۲۲۸ق: ۳۲۳/۱۲) استفاده می شود.

ملاک سوم: بغض نسبت به امیرالمؤمنین (علیه السلام)

بر اساس این ملاک، ناصبی به کسی می‌گویند که بغض نسبت به علی (علیه السلام) داشته باشد. آنچه این گفتار را اثبات می‌کند، تعریفی است که ابن تیمیه (ابن تیمیه، ۱۴۰۹: ۴۴۷/۴) و ابن حجر عسقلانی (عسقلانی، ۱۴۱۰: ۴۵۹/۱) از ناصبی ارائه داده‌اند.

ملاک چهارم: اعتقاد به بر حق نبودن علی (علیه السلام) در جنگ‌ها

بر اساس این ملاک، ناصبی به کسی می‌گویند که اعتقادش این باشد که علی (علیه السلام) در جنگ‌هایش بحق نبوده است. این ملاک مطابق تعریفی است که محمد مناوی در کتاب فیض القدير آورده است. (مناوی، ۱۴۱۵: ۶۱۳/۴)

۵- تطبیق ملاک‌های ناصبی‌گری بر ابن تیمیه

ابن تیمیه از جمله اشخاصی است دشمنی او با اهل بیت (علیهم السلام) اثبات می‌شود و در ادامه قصد داریم ملاک‌های ناصبی‌گری را بر ابن تیمیه تطبیق نماییم.

۵-۱- ابن تیمیه و تنقیص اهل بیت (علیهم السلام)

یکی از اموری که دشمنی ابن تیمیه با اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) را روشن می‌کند، نظر ابن تیمیه در مورد درخواست فدک از جانب حضرت زهرا (علیها السلام) است. ابن تیمیه حرانی، پیرامون درخواست فدک از جانب ایشان، وقاحت را به سرحد خود رسانده و برای تبرئه ابوبکر و جسارت به آن حضرت چنین می‌نویسد:

هر انسان عاقلی به‌خوبی می‌داند، اگر زنی از حاکم جامعه، مالی را درخواست کند و او به دلیل عدم استحقاق آن زن، مال را به او ندهد، بلکه آن را بین همه مسلمانان تقسیم کند و آن وقت، گفته شود این زن بر حاکم خشمگین شده، مشخص است که خشم او به دلیل ندادن مال به او بوده و حاکم هم می‌گوید: این مال از آن تو نیست. پس در چنین صورتی حتی اگر واقعا این زن مورد ظلم واقع شده باشد، آیا خشم او که تنها برای مال دنیا بوده، برای او امتیازی به‌شمار می‌رود؟...

حال آیا کسی که موضوع خشم فاطمه (علیها السلام) را طرح کرده و آن را از مناقب وی به‌شمار می‌آورد، آیا می‌داند که خداوند در مذمت منافقان فرموده: «و در میان آن‌ها کسانی هستند که در تقسیم غنائم به تو خرده می‌گیرند، اگر از آن غنائم، سهمی به آن‌ها داده شود، راضی می‌شوند و اگر داده نشود، خشم می‌گیرند». می‌بینیم که خداوند در این آیه از کسانی (منافقان) یاد کرده که چون مالی به آن‌ها داده شده خرسند و چون به آن‌ها داده نمی‌شود خشمگین می‌گردند و بدین شکل، خداوند این گروه (منافقان) را مذمت نموده است. (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۲۴۴/۴)

این سخن ابن تیمیه به حدی تند و زننده، جسارت‌آمیز و قبیح بوده که علمای اهل سنت نیز به وی حمله‌ور شده و آن را دال بر ناصبی‌بودن وی دانسته‌اند. محمد زکی الدین ابراهیم، از علمای الازهر مصر، در این مورد می‌نویسد: ابن تیمیه، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را متهم به نفاق کرده است، با اینکه وی انحرافات متعددی دارد. شاید یکی از وقیح‌ترین انحرافات ابن تیمیه، همین جسارت به حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) است. (زکی الدین، ۱۴۲۱: ۵۴۶/۲)

۵-۲- ابن تیمیه و تنقیص علی (علیه السلام)

ابن تیمیه در کتاب **منهاج السنه** آن‌قدر در توهین به علامه حلی مبالغه کرده که آنچه علامه در فضایل علی (علیه السلام) آورده، رد کرده و در برخی موارد منجر به تنقیص امیر مؤمنان (علیه السلام) شده است.

این گفته را ابن حجر عسقلانی تأیید می‌کند. وی در کتاب **لسان المیزان** می‌نویسد: من کتابی که ابن تیمیه در رد علامه حلی نوشته را مطالعه کرده‌ام... ابن تیمیه باردیه‌ای که نوشته، بسیاری از احادیثی که از لحاظ سندی درست است را رد کرده... (عسقلانی، ۱۴۱۰: ۵۵۱/۸)

ابن حجر، کلامش را در اعتراض به رفتار ابن تیمیه نسبت به احادیث صحیح، ادامه می‌دهد، تا اینکه می‌گوید: ... ابن تیمیه این مبالغه در توهین به کلام علامه حلی را به

جایی کشانده که منجر به تنقیص علی (علیه السلام) شده است. (عسقلانی، ۱۴۱۰: ۵۵۲/۸)

۵-۳- ابن تیمیه و بغض او نسبت به علی (علیه السلام)

یکی از ملاک‌های ناصبی بودن شخص، بغض او نسبت به امیر مؤمنان (علیه السلام) است. برخی علمای اهل سنت مدعای مابینی بر بغض ابن تیمیه نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) را اثبات می‌کنند که در اینجا به جهت اختصار، فقط به بیان نظر «غماری» از علمای اهل سنت می‌پردازیم.

غماری از علمای محدث اهل سنت است. (الغماری، ۱۴۱۳: ۱۱۲) وی از مخالفان سرسخت دیدگاه‌های ابن تیمیه در مسائل تصوف، حدیث و اهل بیت (علیهم السلام) به شمار می‌آید. احمد غماری، با رویکردی اعتقادی به *منهاج السنه*، دیدگاه ابن تیمیه راجع به امام علی (علیه السلام) و انکار فضایل آن حضرت را ناشی از بغض و نفاق می‌داند و او را در بالاترین درجه دشمنی معرفی می‌کند.

وی در کتاب *بحر العمیق* این گونه ابن تیمیه را توصیف می‌کند:

و اما مثل ابن تیمیه، پس او دشمن خدا و پیامبرش (صلی الله علیه و آله) بوده و شخصی مجرم و خبیث و گمراه و گمراه‌گر است. این دشمن خدا نه تنها در بغض نسبت به صوفیه بسنده نکرده، بلکه در قلب فاجر او، بغض نسبت به آل رسول (علیهم السلام) بیشتر است و اولین کس که در قلبش نسبت به او بغض دارد، علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. پس نفاق او به تصریح حدیث صحیح است که مسلم در صحیح خود آورده که دوست ندارد او را مگر مؤمن و دشمنی با او نمی‌کند، مگر شخص منافق. پس اگر کسی بعد از این قضیه به ابن تیمیه بگوید شیخ الاسلام، آن فرد خودش مانند ابن تیمیه، منافق و گمراه بوده که خداوند او را قبیح گرداند. (الغماری، ۱۴۱۳: ۳۲۴)

۵-۴- ابن تیمیه و اعتقاد به برحق نبودن علی (علیه السلام) در جنگ‌ها

یکی دیگر از ملاک‌های ناصبی بودن شخص، اعتقاد به برحق نبودن علی (علیه السلام) در

جنگ‌ها است. ابن حجر هیشمی، از علما و استوانه‌های علمی اهل سنت از قول ابن تیمیه می‌گوید: او معتقد است، نه تنها علی (علیه السلام) در جنگ‌ها بر حق نبوده، بلکه به دلیل سلطنت جنگیده و بر علی (علیه السلام) اعتراض می‌کند.

در ادامه، کلام ابن حجر را در مورد ابن تیمیه بیان می‌کنیم:

ابن تیمیه کسی است که خدا او را خوار، گمراه، کور و کر گردانیده و به این امر، پیشوایان اهل سنت تصریح کرده‌اند. آنان فساد حال ابن تیمیه و کذب و دروغ‌بودن گفتارش را برای مردم تبیین کرده‌اند و اگر کسی می‌خواهد بدین امر اطلاع یابد پس بر او است که به کلام امام مجتهد که بر امامت و جلالت و رسیدن آن به مرتبه اجتهاد، اتفاق است، به نام ابوالحسن سبکی و فرزندش تاج‌الدین سبکی و شیخ و امام مذهب، عزّ بن جماعه و معاصرین آن و غیر معاصرین از علمای شافعی و مالکی و حنفی، مراجعه کند. ابن تیمیه بر متأخرین صوفیه اعتراض داشته و حتی اعتراضش به عمر بن خطاب و علی بن ابی طالب (علیه السلام) کشانده شده است. حاصل اینکه سخنان ابن تیمیه فاقد ارزش بوده و گفتارش در هر جایی کنار گذاشته می‌شود. در مورد او اعتقاد می‌رود که شخصی بدعت‌گذار، گمراه و گمراه‌کننده و جاهل و غالی می‌باشد که نامتعادل است. خداوند با او به عدالت خود رفتار نماید و ما را از شر عقیده و راه‌ورسم وی حفظ نماید. (هیشمی، ۱۴۱۲: ۱۱۵)

او همچنین در ادامه می‌افزاید: برخی به ابن تیمیه نسبت نفاق می‌دهند؛ زیرا می‌گفت که علی (علیه السلام) در هفده مورد اشتباه کرده و به هر سمتی که رو می‌کرده است، خوار و زبون می‌گشته و او بارها خواست که به خلافت برسد، اما نتوانست. او برای ریاست و سلطنت می‌جنگید، نه برای دیانت. او دوستدار ریاست بود. ابوبکر در بزرگ‌سالی اسلام آورد و می‌فهمید که چه می‌گوید، اما علی (علیه السلام) در خردسالی مسلمان شد و اسلام کودک پذیرفته نیست. او در جریان خواستگاری دختر ابوجهل سخنی گفته که تا هنگام مرگ آن را فراموش نکرده بود.

ابن تیمیه با این سخنان به علی (علیه السلام) جسارت نموده است. به همین جهت علما او را

منافق دانسته‌اند. زیرا رسول خدا ﷺ درباره علی (علیه السلام) فرمود: «لا یغضک إلا منافق»
 (جز منافق کسی بغض و دشمنی تو را به دل ندارد). (هیثمی، ۱۴۱۲: ۱۵۵)
 با توجه به این سخن ابن حجر، آیا باز هم جای دارد به ابن تیمیه که نصب و
 عداوت او با حضرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) روشن است، القابی چون شیخ الاسلام، امام
 المحدثین و... داده شود؟
 آیا شما نشنیده‌اید که امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمودند: دوستدار من مؤمن و دشمن من
 منافق است؟ (عسقلانی، بی تا: ۱/۱۵۴)

نتیجه گیری

پس از بررسی معنای ناصبی، شخصیت ابن تیمیه، تاریخچه ناصبی گری، ملاک های ناصبی بودن و تطبیق ملاک ها به آراء ابن تیمیه، نتایج زیر به دست آمد:

۱. ناصبی بودن ابن تیمیه به سبب تطبیق تنقیص اهل بیت (علیهم السلام)؛
۲. ناصبی بودن ابن تیمیه به سبب تطبیق تنقیص حضرت علی (علیه السلام)؛
۳. ناصبی بودن ابن تیمیه به سبب داشتن بغض حضرت علی (علیه السلام)؛
۴. ناصبی بودن ابن تیمیه به سبب اعتقاد به برحق نبودن حضرت علی (علیه السلام) در جنگ ها.

کتابنامه

* قرآن کریم.

۱. ابن ابی شیبہ، محمد، ۱۴۱۰، *المصنف*، ج ۲، بیروت: دارالفکر.
۲. ابن تیمیہ، تقی الدین، ۱۴۰۶، *منہاج السنہ النبویہ*، ریاض: مکتبۃ ابن تیمیہ.
۳. ابن عثیمین، محمد بن صالح، ۱۴۲۴، *اعانہ المستفید بشرح کتاب التوحید*، ج ۲، بیروت: دار ابن جوزی.
۴. ابن فارس، خلیل بن احمد، ۱۴۲۰، *معجم مقاییس اللغه*، بیروت: دار الجلیل.
۵. ابن کثیر، محمد، ۱۴۱۵، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارالفکر.
۶. احمد بن شیب، ابو عبد الرحمن، ۱۴۱۱، *تذکرۃ الحفاظ*، بیروت: دارالکتب العلمیہ.
۷. ازهری، محمد بن احمد، ۲۰۰۱، *تہذیب اللغه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. البانی، ناصر الدین، ۱۴۱۱، *السلسلہ الصحیحہ*، ریاض: اداره العامہ للطبع و الترجمة.
۹. الغماری، ابو العباس احمد بن محمد، ۱۴۱۳، *البحر العمیق*، بیروت: دارالکتبہ.
۱۰. بحرانی، میثم بن علی، ۱۲۲۸ق، *حدائق الناضرہ*، ج ۲، قم: صدر.
۱۱. ترمذی، محمد بن عیسی، بی تا، *سنن ترمذی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. جوهری، ۱۴۲۰، *صحاح اللغه*، بیروت: دار الجلیل.
۱۳. حر عاملی، ۱۴۱۰، *وسائل الشیعہ*، ج ۵، بیروت: دار الکتب العلمیہ.
۱۴. حصنی دمشقی، تقی الدین ابی بکر، بی تا، *دفع شبه من شبه و تمرّد*، مصر: المکتبۃ الازہریہ التراث.
۱۵. حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی)، ۱۴۱۳، *الرسائل التسع*، ج ۲، قم: آیت الله مرعشی.
۱۶. ذہبی، محمد بن احمد، ۱۹۹۵، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت: دار الکتب العلمیہ.

۱۷. -----، ۱۴۱۳، *لسان المیزان*، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۱۸. -----، ۱۴۰۷، *میزان الاعتدال*، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۹. راغب، ابی القاسم الحسین بن محمد، ۱۴۲۰، *مفردات و انص*، بیروت: دار الجلیل.
۲۰. زکی الدین ابراهیم، محمد، ۱۴۲۱، *کلمة الرائد*، چ ۲، مصر: مؤسسه احیاء التراث الصوفی.
۲۱. شیبانی، احمد بن حنبل، ۱۴۰۳، *فضائل الصحابه*، ریاض: جامعة ام القری.
۲۲. صدوق، محمد بن علی، بی تا، *من لایحضره الفقیه*، چ ۲، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۲۳. طبرانی، سلیمان، ۱۳۲۰ق، *المعجم الصغير*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۴. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۶۲، *تاریخ الامم و الملوك (تاریخ طبری)*، چ ۲، بیروت: دار التراث.
۲۵. طریحی، احمد، ۱۳۶۲ق، *مجمع البحرين*، مصر: دار الدعوه.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، چ ۲، قم: قدس محمدی.
۲۷. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، بی تا، *فتح الباری فی شرح صحیح بخاری*، بیروت: دار المعرفه.
۲۸. -----، ۱۴۱۰، *لسان المیزان*، چ ۳، بیروت: مؤسسه الاعلامی للمطبوعات.
۲۹. -----، ۱۴۱۱، *الدرر الكامنه*، بیروت: دار الحیاء التراث العربی.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، *العین*، ؟.
۳۱. فوزان، صالح، ۱۳۸۴ق، *فی الضلال التوحید*، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۳۲. القشیری النیشابوری، مسلم بن الحجاج، بی تا، *صحیح مسلم*، بیروت: دار الحیاء

التراث العربی.

۳۳. قندوزی، محمد، ۱۳۷۰ق، *ینابع الموده*، بیروت: دار التعاریف.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۱۳ق، *کافی*، چ ۳، بیروت: دار الکتب الاسلامی.
۳۵. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۱۲، *بحار الانوار*، چ ۳، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۳۶. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۰، *المقنعه*، چ ۲، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۳۷. مناوی، محمد، ۱۴۱۵، *فیض القدير*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۳۸. هاشمی، نورالدین، ۱۴۱۲، *مجمع الزوائد ومنبع الفوائد*، چ ۲، بیروت: دار الفکر.